

به نام خدا

نگاهی به ذهن های متفاوت در آموزش

مولفان :

سمانه بالویی جامخانه

نرگس صادقی اسرمی

فرزانه داوری

هاجر غفاری

انتشارات بامن

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : بالویی جامخانه، سمانه، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور : نگاهی به ذهن های متفاوت در آموزش / مولفان سمانه بالویی جامخانه،
نرگس صادقی اسرمی، فرزانه داوری، هاجر غفاری.
مشخصات نشر : انتشارات بامن، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۱۲۳ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۸۴-۵۲-۸-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۲۳ - ۱۱۵.
موضوع : آموزش
شناسه افزوده : صادقی اسرمی، نرگس، ۱۳۵۰-
شناسه افزوده : داوری، فرزانه، ۱۳۶۰
شناسه افزوده : غفاری، هاجر، ۱۳۴۴
رده بندی کنگره : BF۷۴۶
رده بندی دیویی : ۱۵۷/۷
شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۹۸۰۴۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : نگاهی به ذهن های متفاوت در آموزش
مولفان : سمانه بالویی جامخانه - نرگس صادقی اسرمی - فرزانه داوری - هاجر غفاری
ناشر : انتشارات بامن
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۲۳۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۸۴-۵۲-۸-۸
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فصل اول: آموزش ، فرهنگ و تاریخ.....
۹	سبک های یادگیری
۱۲	فرهنگ.....
۱۴	آموزش و پرورش.....
۱۷	پویایی
۱۹	سیر تحول
۲۲	تفاوت های فردی.....
۲۴	زمینه های آموزشی.....
۲۹	فصل دوم: نگاهی به تفاوت های فردی.....
۳۲	تغییرپذیری
۳۴	نظریه های هوش
۳۷	جنبه های عاطفی و اجتماعی
۴۰	حافظه
۴۳	طیف توانایی های شناختی
۴۵	ژنتیک
۴۷	تأثیرات محیطی
۵۱	فصل سوم: سبک های آموزشی.....
۵۳	راهنماها
۶۱	سبک های شناختی
۶۴	تطبيق آموزش
۶۷	ارزیابی یادگیری
۶۹	تأثیر فرهنگ
۷۳	فصل چهارم: نقش شخصیت.....

۷۳	نظریه های شخصیت
۷۵	ویژگی های بزرگ
۷۸	درونگرایی و برونگرایی
۸۰	انگیزه
۸۶	شخص، باورها و یادگیری
۸۸	شخصیت های مختلف
۹۱	شخصیت و یادگیری
۹۵	فصل پنجم: یادگیری و ناتوانی
۹۵	تعاریف
۹۷	نارساخوانی، نارسانویسی، و دیس گرافی
۱۰۰	اختلال در یادگیری
۱۰۲	اوتیسم و محیط
۱۰۹	شناسایی
۱۱۲	فراگیری
۱۱۵	منابع و مآخذ

فصل اول

آموزش ، فرهنگ و تاریخ

یکی از پدیده های طبیعی مشهود در تمام ساختارهای جوامع انسانی وجود تفاوت است. یک نظام آموزشی سالم، انسانی و کارآمد این تفاوت ها را به شکل طبیعی از توانایی ها و قابلیت ها دریافت و ادراک می کند. وجود تفاوت های فردی در میان دانش آموزان از نظر هوش، شخصیت، استعداد، پیشرفت تحصیلی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و قدرت یادگیری مطالب و... یکی از مهمترین مسائلی است که معلمان در کلاس های خود با آن مواجهند چرا که معلمان به تجربه دریافته اند که شیوه برخورد و پیروی از یک روش تدریس خاص نمی تواند برای همه دانش آموزان به طور یکسان مفید باشد. این گزارش تلاش دارد به بررسی تفاوت های فردی در میان دانش آموزان پرداخته و آن را از جنبه های گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

آگاهی از وجود تفاوت های فردی میان انسانها به اندازه ی خلقت انسان قدمت دارد، زیرا انسان های اولیه از متفاوت بودن یکدیگر کاملاً آگاه بودند. بدین صورت که وقتی به هم می رسیدند بلافاصله زور و بازوی یکدیگر را تخمین می زدند. اگر تاریخ را ورق بزنیم، در هیچ دوره ای نخواهیم دید که انسانها جامعه خود را گروه بندی نکنند و برای هر گروه ویژگی های خاصی را قایل نشوند.

بافت تاریخی و فرهنگی ایران نقش بسزایی در شکل گیری رویکرد آن به آموزش داشته است. این بخش به تاریخ غنی آموزش و پرورش در ایران می پردازد و تأثیر ماندگار

میراث فارسی بر سیستم های یادگیری کشور را بررسی می کند. میراث آموزش و پرورش در ایران را می توان به دوران باستان جستجو کرد و در طول تاریخ تکامل یافته و تطبیق یافته است. این بخش مروری جامع بر زمینه های تاریخی و فرهنگی که یادگیری را در ایران شکل داده اند، ارائه می کند و بینش هایی را در مورد توسعه چشم انداز آموزشی در کشور ارائه می دهد.

میراث آموزشی ایران عمیقاً در تمدن های کهن آن ریشه دارد. امپراتوری ایران، یکی از برجسته ترین امپراتوری های تاریخ، تأثیر عمیقی بر توسعه آموزش و پرورش داشت. امپراتوری ایران که قدمت آن به دوران هخامنشیان (حدود ۵۵۰-۳۳۰ پ. آموزش و پرورش در این دوره اساساً برای آماده سازی افراد برای نقش های اداری و دولتی طراحی شده بود. فرمانروایان هخامنشی به اهمیت نخبان تحصیل کرده در اداره امپراتوری وسیع خود پی بردند.

میراث آموزش و پرورش ایرانی در دوران امپراتوری ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) که جانشین اشکانیان شد، به رشد خود ادامه داد. در زمان ساسانیان زبان و فرهنگ فارسی ترویج شد و از جمله ترویج دانش بود (رحیمیان، ۱۳۹۶، ص ۷۳). نظام آموزشی ساسانی به حفظ سنت های ایرانی و اشاعه دانش کمک کرد و پایه و اساس آموزش و پرورش را در ایران بیشتر نهاد.

ورود اسلام به ایران در قرن هفتم میلادی آغازگر دوره جدیدی از آموزش و پرورش بود. در دوران طلایی اسلامی که دوره ای از قرن هشتم تا سیزدهم میلادی را در بر می گرفت، در ایران به دنبال دانش بسیار ارزشمند بود (شریفی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵). دانشمندی مانند ابن سینا (ابعلی سینا) و خوارزمی سهم قابل توجهی در زمینه های مختلف از جمله پزشکی، ریاضیات و فلسفه داشتند. تأسیس کتابخانه ها، مدارس و مدارس، محیطی مساعد برای یادگیری ایجاد کرد.

دوران طلایی اسلامی با ترجمه متون یونانی و دیگر متون کلاسیک به عربی و فارسی مشخص شد که دامنه دانش موجود را بسیار گسترش داد. این ترجمه ها و متعاقب آن

توسعه سنت های علمی فارسی نقش تعیین کننده ای در تحول آموزش و پرورش در ایران داشت (موسوی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). میراث این دوره همچنان بر شیوه های آموزشی در ایران معاصر تأثیر می گذارد.

امپراتوری صفوی (۱۵۰۱-۱۷۲۲ م) تحولات چشمگیری در نظام آموزشی ایران به وجود آورد. شاه عباس اول به ویژه در دوران سلطنت خود نقشی محوری در بازسازی و گسترش آموزش و پرورش داشت (معین، ۱۳۹۷، ص ۸۸). او شبکه ای از مدارس ابتدایی و متوسطه را با تمرکز بر تدریس ادبیات، هنر و علوم فارسی تأسیس کرد. صفویان همچنین نقش آموزش دینی را تقویت کردند و آن را با اسلام شیعه همسو کردند.

دوره صفویه با تأکید بر مطالعه ادبیات فارسی، تاریخ و ایمان اسلامی، زمینه را برای استقرار برنامه درسی سنتی فارسی فراهم کرد (حسینی، ۱۳۹۵، ص ۴۲). میراث این اصلاحات آموزشی هنوز در نظام آموزشی معاصر ایران قابل مشاهده است.

اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شاهد یک سری اصلاحات آموزشی با هدف نوسازی نظام آموزشی ایران بود. انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۱۱) نقطه عطفی در این تلاش ها بود که به تأسیس اولین مدارس و دانشگاه های مدرن انجامید (مهریار، ۱۳۹۶، ص ۵۶). این اصلاحات تحت تأثیر مدل های غربی قرار گرفت و بخشی از تلاش گسترده تر برای انطباق با چشم انداز در حال تغییر جهانی بود.

یکی از چهره های کلیدی در این دوره، میرزا رضا کرمانی، مدافع تعلیم و تربیت نوین و مؤسس اولین روزنامه ایران بود (قاجار، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲). تلاش کرمانی و دیگران زمینه ساز توسعه زیرساخت های آموزشی مدرن در ایران شد.

دوران سلطنت رضاشاه پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۴۱) و پسرش محمدرضا شاه پهلوی (۱۹۴۱-۱۹۷۹) اصلاحات آموزشی بیشتری را در ایران به ارمغان آورد. این اصلاحات با هدف نوسازی نظام آموزشی، ارتقای سوادآموزی و همسویی ایران با استانداردهای بین المللی انجام شد (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۷۸). رژیم پهلوی بر اهمیت علم، فناوری و آموزش حرفه ای تأکید داشت.

دوران پهلوی شاهد تأسیس دانشگاه ها و مؤسسات فنی متعددی بود و برنامه درسی به گونه ای بازطراحی شد که طیف وسیع تری از دروس، از علوم انسانی تا علوم طبیعی را در بر گیرد (آذر، ۲۰۱۸، ص ۹۵). این اصلاحات به افزایش قابل توجهی در نرخ سواد کمک کرد و پایه و اساس یک چشم انداز آموزشی متنوع تر در ایران را ایجاد کرد.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به رهبری آیت الله خمینی تحولات چشمگیری در نظام آموزشی ایران به وجود آورد. دولت جدید به دنبال همسویی آموزش با اصول و ارزش های اسلامی بود و اصلاحات مختلفی برای انعکاس این دیدگاه انجام شد (نبوی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۸). مدارس و دانشگاه ها موظف بودند معارف اسلامی را در برنامه های درسی خود بگنجانند.

دوره پس از انقلاب با تأسیس حوزه های علمیه و مؤسسات دینی متعدد شاهد افزایش تعلیمات دینی بود (سید امامی، ۱۳۹۴، ص ۶۴). در همان زمان، دولت تلاش کرد تا تعادل بین آموزش دینی و سکولار را حفظ کند و اطمینان حاصل کند که جوانان ایران از آموزش جامعی برخوردار می شوند که هم دانش اسلامی و هم دانش آکادمیک را در بر می گیرد.

امروزه، ایران دارای یک سیستم آموزشی متنوع و چندوجهی است که نشان دهنده تاریخ غنی و بافت فرهنگی پیچیده آن است. این کشور با تأکید فراوان بر آموزش عالی، پیشرفت چشمگیری در گسترش دسترسی به آموزش داشته است (قرایی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۴). دانشگاه های ایران به عنوان برتری علمی و پژوهشی، به ویژه در رشته هایی مانند مهندسی، پزشکی و علوم انسانی شناخته شده اند.

با این حال، نظام آموزشی ایران با چالش های مختلفی از جمله مسائل مربوط به برابری جنسیتی، محتوای برنامه درسی و روش های تدریس مواجه است (آقاجانیان، ۱۳۹۹، ص ۸۷). با این وجود، ایران همچنان به سرمایه گذاری در بخش آموزش خود ادامه می دهد و تلاش می کند آموزش با کیفیت را برای جمعیت خود ارائه دهد و با نیازهای در حال تغییر دنیای مدرن سازگار شود.

زمینه های تاریخی و فرهنگی یادگیری در ایران طی هزاران سال متأثر از تمدن های باستانی، عصر طلایی اسلامی و دوره های مختلف سلسله ای تکامل یافته است. میراث فارسی آموزش جزء حیاتی نظام آموزشی مدرن ایران است که با تعهد به دانش، برنامه درسی متنوع و تعادل بین مطالعات سکولار و دینی مشخص می شود. در حالی که ایران چالش ها و فرصت های قرن بیست و یکم را طی می کند، میراث تاریخی و فرهنگی آن همچنان رویکردش به آموزش را شکل می دهد و به هویت آموزشی منحصربه فرد این کشور کمک می کند.

سبک های یادگیری

در ایران دین از دیرباز با جنبه های مختلف زندگی از جمله آموزش در هم آمیخته است. این بخش به بررسی رابطه پیچیده دین و سبک های یادگیری در ایران می پردازد. دین و در درجه اول اسلام نقش بسزایی در شکل دادن به نحوه درک و اجرای آموزش در کشور داشته است. این بخش به تأثیر دین بر سبک های یادگیری و شیوه های آموزشی که در نتیجه توسعه یافته اند می پردازد. درک تأثیر متقابل دین و سبک های یادگیری برای درک زمینه وسیع تر آموزش در ایران ضروری است.

اسلام به عنوان دین غالب در ایران، تأثیر عمیقی بر سبک های یادگیری در کشور دارد. آموزه های اسلامی بر اهمیت دانش و علم به عنوان عبادت تأکید می کند. قرآن، کتاب مقدس اسلام، مسلمانان را به طلب علم و فهم تشویق می کند (قرآن، ۱۱۴:۲۰). این دستور دینی به فرهنگ کنجکاوی فکری و تأکید شدید بر آموزش در ایران کمک کرده است (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۷۴).

ارزش های اسلامی نیز بر ابعاد اجتماعی و اخلاقی سبک های یادگیری تأثیر می گذارد. مفاهیم تواضع، احترام و پاکدامنی اخلاقی جزء لاینفک دین اسلام بوده و عمیقاً در نظام آموزشی ایران جا افتاده است (صافی، ۱۳۹۸، ص ۹۲). دانش آموزان تشویق می شوند تا این ویژگی ها را در تعاملات خود با همسالان و مربیان نشان دهند و تجربیات یادگیری خود را شکل دهند.

یکی از تأثیرات مهم تأثیر اسلام بر سبک های یادگیری در ایران، اعمال تفکیک جنسیتی در محیط های آموزشی است. بر اساس موازین اسلامی، نظام آموزشی ایران در بسیاری از مؤسسات، جدایی شدید بین دانش آموزان دختر و پسر را اعمال می کند (صالحی اصفهانی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹). این امر منجر به ایجاد محیط های یادگیری متمایز برای هر جنسیت شده است که می تواند سبک های یادگیری دانش آموزان دختر و پسر را به طور متفاوت تحت تأثیر قرار دهد.

به عنوان مثال، سیستم تفکیک جنسیتی ممکن است منجر به تغییرات در روش های تدریس و پویایی کلاس درس شود. دانش آموزان دختر و پسر ممکن است رویکردهای متفاوتی را برای آموزش، ارزیابی و مدیریت کلاس تجربه کنند، که همگی می توانند بر سبک های یادگیری و نتایج آنها تأثیر بگذارند (اسلام، ۲۰۱۸، ص ۵۶). درک این تفاوت های مربوط به جنسیت در سبک های یادگیری برای پرداختن به تفاوت های بالقوه در نتایج آموزشی ضروری است.

ویژگی تعلیم و تربیت اسلامی تأکید بسیار بر حفظ و قرائت است. دانش آموزان در ایران اغلب ملزم به حفظ بخش های قابل توجهی از قرآن و سایر متون دینی به عنوان بخشی از تحصیلات خود هستند (حسینی و طباطبایی، ۱۳۹۶، ص ۴۱). این تأکید بر حفظ تأثیر ماندگاری بر سبک های یادگیری دانش آموزان ایرانی دارد.

حفظ کردن یک مهارت اساسی در تعلیم و تربیت اسلامی تلقی می شود و فراتر از متون دینی است و شامل حفظ شعر، ادبیات و وقایع تاریخی می شود (نصر، ۱۳۹۸، ص ۶۸). تمرین حفظ کردن نه تنها سبک های یادگیری دانش آموزان را شکل می دهد، بلکه نظم، توجه به جزئیات و دقت را نیز تقویت می کند.

آمیختگی دین و هنر در ایران رویکردی متمایز به سبک های یادگیری ایجاد کرده است. هنر اسلامی با نقوش پیچیده و خوشنویسی در فرهنگ و معارف ایرانیان حضور چشمگیری دارد. دانش آموزان اغلب در معرض زیبایی های هنر اسلامی و خوشنویسی

در مدرسه قرار می‌گیرند و بر سبک‌های یادگیری هنری و زیبایی‌شناختی آنها تأثیر می‌گذارد (دریایی، ۱۳۹۷، ص ۸۴).

مطالعه هنر اسلامی خلاقیت، دقت و قدردانی از جزئیات را تشویق می‌کند. به ویژه خوشنویسی نوعی بیان معنوی محسوب می‌شود و دانش آموزان از سنین جوانی هنر خوشنویسی عربی را می‌آموزند. این جنبه از یادگیری با اصل اسلامی که زیبایی و تعالی طلبی در همه شئون زندگی از جمله تحصیلات است، همسو است.

تقویم اسلامی بر اعیاد و اعیاد مذهبی در ایران حاکم است. در طول این مراسم مذهبی، مدارس اغلب برنامه‌های خود را اصلاح می‌کنند و دانش آموزان ممکن است در فعالیت‌ها و مراسم مذهبی مختلف شرکت کنند (فرجی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۷). تقویم مذهبی تأثیر مستقیمی بر سبک‌های یادگیری دانش آموزان دارد، زیرا ممکن است در روال تحصیلی خود دچار وقفه شوند.

تعطیلات مذهبی همچنین فرصت‌هایی را برای دانش آموزان فراهم می‌کند تا با تاریخچه و اهمیت این رویدادها آشنا شوند و دانش دینی و درک فرهنگی آنها را تقویت کند (امیری، ۱۳۹۶، ص ۹۸). این ادغام فرایض دینی در تقویم آموزشی بر نحوه درک و تعامل دانش آموزان با محیط‌های آموزشی خود تأثیر می‌گذارد.

دین، به ویژه اسلام، نقشی محوری در شکل‌گیری سبک‌های یادگیری در ایران ایفا می‌کند. درهم تنیدگی ارزش‌های دینی و شیوه‌های آموزشی منجر به رویکردی منحصر به فرد برای یادگیری شده است که بر دانش، انضباط و یکپارچگی اخلاقی تأکید دارد. تفکیک جنسیتی، حفظ متون دینی، تأثیر هنر اسلامی، و رعایت اعیاد مذهبی، همگی به سبک‌های متمایز یادگیری در ایران کمک می‌کنند.

درک تأثیر دین بر سبک‌های یادگیری برای مربیان و سیاست‌گذاران در ایران بسیار مهم است. این به طراحی برنامه‌های درسی آموزشی، روش‌های تدریس و مدیریت کلاس درس می‌پردازد و امکان رویکردی جامع‌تر و مؤثرتر به آموزش را فراهم می‌کند.

رابطه پیچیده بین دین و سبک های یادگیری در ایران همچنان به شکل دادن به چشم انداز آموزشی کشور ادامه می دهد و عنصر اساسی بافت فرهنگی و تاریخی آن است.

فرهنگ

شبکه پیچیده ارزش های فرهنگی در ایران مفهوم فردیت را در بستر آموزشی کشور عمیقاً شکل داده است. درک تأثیر متقابل بین این ارزش های فرهنگی و فردگرایی برای درک تجربیات یادگیری و نتایج آموزشی دانش آموزان ایرانی ضروری است. این بخش به رابطه پیچیده بین ارزش های فرهنگی و فردیت در ایران می پردازد و بینش هایی را در مورد چگونگی تأثیر این عوامل بر آموزش در کشور ارائه می کند.

فرهنگ ایرانی با تأکید شدید بر جمع گرایی و هویت گروهی مشخص می شود. این ارزش فرهنگی ناشی از عوامل تاریخی و اجتماعی-فرهنگی است و تأثیر عمیقی بر فضای آموزشی ایران دارد (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۸، ص ۴۳). ایرانیان اغلب با احساس قوی خانواده و اجتماع بزرگ می شوند و این جهت گیری جمعی تا زمینه آموزشی نیز گسترش می یابد. به دانش آموزان آموزش داده می شود که هنگام انتخاب تحصیلی و تصمیم گیری شغلی، نیازها و انتظارات خانواده و جوامع خود را در نظر بگیرند.

نظام آموزشی ایران این روحیه جمع گرایی را منعکس و تقویت می کند. یادگیری گروهی و پروژه های مشارکتی در کلاس های درس ایرانی رایج است و بر اهمیت همکاری و هماهنگی در محیط آموزشی تأکید دارد (رستمی، ۱۳۹۷، ص ۵۶). احساس تعلق به یک جامعه جزء لاینفک تجربه آموزشی ایرانیان است.

مذهب به ویژه شیعه نقش بسزایی در شکل گیری ارزش های فرهنگی در ایران دارد. نفوذ دین به نظام آموزشی گسترش می یابد، جایی که معمولاً ارزش های اخلاقی و اخلاقی که ریشه در آموزه های اسلامی دارد به دانش آموزان آموزش داده می شود (زرین کلام، ۱۳۹۶، ص ۹۲). این چارچوب مذهبی به احساس ارزش های مشترک و قطب نمای اخلاقی کمک می کند که رفتار فردی را هدایت می کند.